یادداشت روز

آمریکا خودش را چگونه به ما ثابت کرد؟

«آمریکایی‌ها باید ثابت کنند که به دنبال مذاکره هستند.» این جمله‌ای است که برخی مسئولان در ماه‌های اخیر بارها تکرار کرده‌اند. آمریکا اما همه چیز را به ما ثابت کرده است؛ آمریکا با تحریم‌های حداکثری به ما ثابت کرده است که نه برادر بلکه دشمن ایران و ملت ایران است، در برجام ثابت کرد به هیچ تعهدی پایبند نیست و با تهدیدهای گاه و بی‌گاهش هم ثابت می‌کند اهل مذاکره برابر و تعامل نیست.

چشم خطاپوش برخی اما ظاهرا نمی‌خواهد هیچ‌کدام از این شواهد را ببیند و مانند عاشقی که از خطای معشوق چشم می‌پوشد؛ ماه‌هاست در کارنامه و سوابق سیاه مقامات واشنگتن به دنبال نقطه روشنی برای اتکا و اعتماد به آنها می‌گردد! «برجام» از این منظر تجربه‌ای گران‌بها بود. تجربه‌ای که به بهای تعلیق (نزدیک به تعطیل) صنعت هسته‌ای ایران به مدت تقریبا ۵ سال به دست آمد. در برجام ایران سطح غنی‌سازی اورانیوم را از ۲۰ درصد به ۳ درصد کاهش داد. مرکز غنی‌سازی فردو را تقریبا تعطیل کرد. قلب راکتور اراک را خارج و عملا تأسیسات آب سنگین اراک را برای همیشه از کار انداخت. همه سانتریفیژهای نسل جدید خود را جمع‌آوری و انبار کرد و تمام ذخایر سوخت ۲۰ درصد خود را نیز از دست داد. برجام در کنار همه اینها محدودیت‌های شدید ۱۰ تا ۲۵ سال را نیز بر صنعت هسته‌ای کشور اعمال کرد. اما توافق برجام با همه این تعطیلی‌ها و محدودیت‌هایش برای ایران حتی نتوانست اسفند ۱۳۹۶ سوخت هواپیمای وزیر خارجه وقت ایران را در مونیخ فراهم کند و حتی نتوانست حساب بانکی سفارت ایران در لندن را بازگشایی کند! آمریکا و کشورهای اروپایی به هر بهانه‌ای از اجرای تعهدات‌شان در برجام طفره رفتند و دولتمردان ایران در سراب وعده‌های آمریکا و اروپا پنج سال به صورت یک‌طرفه توافق نامتوازن برجام را اجرا کردند.

اگر تجربه تلخ برجام را نادیده بگیریم، آمریکایی‌ها در مرداد ۱۴۰۳ نیز خودشان را به ما ثابت کردند. وقتی پس از ترور مهمان عزیز مراسم تحلیف آقای پزشکیان در تهران یعنی شهید اسماعیل هنیه، نه تنها با سکوتی معنادار حاضر به محکوم کردن این اقدام نشدند بلکه وزیر دفاع وقت آمریکا اندکی پس از آن و در دفاع از رژیم صهیونیستی گفت: «واشنگتن برای دفاع از اسرائیل هر اقدامی را انجام می‌دهد.» آمریکا کمتر از دو ماه بعد باز هم خودش را به ما ثابت کرد و در حالی که وعده آتش‌بس در ازای عدم پاسخ به ترور شهید هنیه داده بود؛ نقش مؤثری در ترور دبیرکل حزب‌الله لبنان، شهید سید حسن نصرالله ایفا کرد. این بار آقای پزشکیان نیز زبان به اعتراض گشود و یک روز پس از شهادت سید مقاومت، گفت: «ادعاهای سران آمریکا و کشورهای اروپایی نیز که در ازای عدم پاسخ ایران به ترور شهید هنیه وعده آتش‌بس می‌دادند، تماما دروغ بود و فرصت دادن به چنین جنایتکارانی صرفا آنها را در ارتکاب به جنایات بیشتر جری‌تر خواهد کرد.» دموکرات یا جمهوری‌خواه فرقی نمی‌کرد؛ آمریکا کاملا خودش را به ما ثابت کرد. دست ترامپ به خون سردار سلیمانی آغشته بود و حالا دست بایدن نیز به خون شهید نصرالله آغشته شد.

آمریکا باز هم خودش را به ما ثابت کرد وقتی ابراز تمایل یکطرفه دولت چهاردهم به مذاکره را با تهدید و قُلدری پاسخ داد. اگر تهدیدات ترامپ علیه ایران را در زمان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا نادیده بگیریم. دستورالعمل رسمی ترامپ درباره ایران پس از ریاست‌جمهوری‌اش را با هیچ چشم خطاپوشی نمی‌توان نادیده گرفت. رئیس‌جمهور آمریکا ۴ فوریه ۲۰۲۵ (۱۶ بهمن ۱۴۰۳) سیاست‌های کلی کشورش در تقابل با ایران را این‌طور خلاصه کرد: جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و موشک‌های بالستیک قاره‌پیما، از بین بردن نفوذ منطقه‌ای ایران، فروپاشی و تضعیف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های وابسته به آن و مقابله با توسعه توان دفاعی ایران در زمینه موشک‌ها و تسلیحات متعارف و نامتقارن. آمریکا با این دستورالعمل به ما ثابت کرد به چیزی کمتر از تضعیف و خلع سلاح ایران راضی نیست و ترامپ در همین چهارچوب شرح وظایف وزارت‌خانه‌های امور خارجه، خزانه‌داری، بازرگانی و دادگستری آمریکا را تعیین کرد.

رئیس‌جمهور آمریکا فقط به همین دستورالعمل هم اکتفا نکرده است. او در کمتر از سه ماه از آغاز ریاست‌جمهوری‌اش حداقل چهار بار ایران را تهدید به حمله و بمباران کرده است. ۲۲ بهمن ۱۴۰۳ (۱۰ فوریه ۲۰۲۵) ترامپ در مصاحبه با شبکه آمریکایی فاکس‌نیوز خواستار نابودی کامل برنامه هسته‌ای ایران شد و گفت: «ترجیح می‌دهم... توافقی انجام دهیم، نظارت کنیم، بررسی کنیم، بازرسی کنیم و سپس آن [برنامه هسته‌ای ایران] را منفجر کنیم.» او پس از تشریح توافق مورد نظرش با ایران، زبان به تهدید گشود: «دو راه برای متوقف کردن آنها [ایران] وجود دارد، با بمب یا با یک تکه کاغذ [توافق].» ترامپ مدتی بعد دوباره اقدام به تهدید ایران کرد و ۲۷ اسفند ۱۴۰۳ (۱۷ مارس ۲۰۲۵) نوشت: «هر تیری که [یمنی‌ها] شلیک می‌کنند، از این نقطه به بعد، به‌عنوان تیری از سوی سلاح‌ها و رهبری ایران برداشت خواهد شد و ایران مسئول آن خواهد بود و عواقب آن را متحمل خواهد شد و آن عواقب وخیم خواهد بود!» او کمتر از دو هفته بعد و درست در همان روزی که رئیس‌جمهور کشورمان از تصمیمش برای مذاکره با آمریکا گفت، یک بار دیگر ایران را به بمباران تهدید کرد و ۱۰ فروردین ۱۴۰۴ (۳۰ مارس ۲۰۲۵) این بار به شبکه آمریکایی NBC گفت: «اگر با ایران به توافق نرسیم... این کشور بمباران خواهد شد. این کشور به شیوه‌ای بی‌سابقه بمباران خواهد شد.» رئیس‌جمهور آمریکا حتی در اظهارات سه روز پیش خود و پس از اعلام خبر مذاکره با ایران در روز شنبه، دست از تهدید ایران برنداشت و گفت: «اگر مذاکرات با ایران موفقیت‌آمیز نباشد، فکر می‌کنم ایران در خطر بزرگی خواهد بود. خطر بسیار زیاد... اگر این مذاکرات موفقیت‌آمیز نباشد، به نظرم روز بدی برای آنها خواهد بود.» اینها ادبیات دولتی نیست که خواهان مذاکره از موضع برابر با ایران باشد. آمریکا با زبان تهدیدش به ما ثابت کرد اهل توافق و معامله نیست و فقط به دنبال تحمیل خواسته‌های خود به ایران است.

نه فقط با ایران که دولت آمریکا آن را در میان کشورهای متخاصم خود طبقه‌بندی کرده است؛ بلکه رفتار آمریکا با کانادا که آن را در زمره «متحدان نزدیک» خود دسته‌بندی کرده است به جهان ثابت می‌کند که دولت آمریکا پایبند به هیچ مذاکره، توافق و تعهدی نیست. سال ۲۰۱۷ آمریکا با خروج از توافق نفتا (NAFTA) با کانادا، آنها را تهدید کرد تا به مذاکرات جدید جهت دستیابی به توافقی جایگزین تن دهند. تهدیدات ترامپ جواب داد و کانادا در نوامبر ۲۰۱۸ حاضر به توافق جدیدی با آمریکا موسوم به یو.اس.ام.سی.ای (USMCA) شد. اما هفت سال بعد وقتی دونالد ترامپ برای بار دوم به ریاست جمهوری آمریکا رسید؛ همین توافقی که خودش بسته بود را نیز زیر پا گذاشت و با راه‌اندازی جنگ اقتصادی با کانادا خواستار توافق دیگری با امتیازات بیشتر شد. این زیاده‌خواهی رئیس‌جمهور آمریکا آن‌قدر عیان و رسوا بود که فایننشال‌تایمز درباره آن نوشت: «وقتی ترامپ توافقی می‌بندد، هیچ تضمینی وجود ندارد که به آن پایبند بماند.»

آمریکا خودش را نه فقط به ما بلکه به تمام جهان همه‌جوره ثابت کرده است. فقط کافی است عینک خوش‌بینی و خوش‌خیالی به واشنگتن را از جلوی چشمان‌مان برداریم تا واقعیت را آن‌طور که هست ببینیم و با آن کنار بیاییم. در این صورت اقتصاد یک کشور پهناور و با ذخایر عظیم انسانی و طبیعی مثل ایران را به اخم و لبخند چند سیاستمدار پست در کاخ سفید گره نمی‌زنیم. حالا اما به هر دلیلی جمهوری اسلامی تصمیم به آزمودن مجدد آمریکا گرفته است؛ آمریکا باز هم باید خودش را به ما ثابت کند و تجربه به ما می‌گوید نتیجه متفاوتی رقم نخواهد خورد.

سید محمدعماد اعرابی

هشدار کیهان درباره تضعیف تیم مذاکره‌کننده ایران

غربگرایان با «رؤیافروشی» دست خالی ترامپ را پُر نکنند!

سرویس سیاسی- **در آستانه آغاز دور تازه مذاکرات در روز شنبه ۲۳ فروردین، بار دیگر جریانی خاص با بهره‌گیری از رسانه‌های همسو، در تلاش است تا با وعده‌های بی‌پشتوانه و رؤیافروشی اقتصادی، بازار و افکار عمومی را نسبت به نتیجه مذاکرات شرطی کند؛ رویکردی که نه‌تنها تجربه تلخ برجام را تداعی می‌کند، بلکه عملا به تضعیف تیم مذاکره‌کننده و تقویت مواضع طرف مقابل می‌انجامد.**

در حالی‌که چند روز تا آغاز دور تازه مذاکرات هسته‌ای در روز شنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ باقی مانده، بار دیگر شاهد نوعی تب‌وتاب زودهنگام در فضای رسانه‌ای و اقتصادی کشور هستیم که بیش از آنکه مبتنی بر واقعیت‌های دیپلماتیک باشد، بازتاب‌دهنده نوعی خوش‌بینی غیرواقعی، پیش‌داوری عجولانه و تلاش برای شرطی‌سازی جامعه نسبت به نتیجه رسیدن یا نرسیدن و نوع نتایج مذاکرات آتی است.

این پدیده مسبوق به سابقه است. در جریان توافق برجام و نیز در تمامی گفت‌وگوهای فرعی پیش و پس از آن، تجربه تلخ انتظارات هیجانی و وعده‌های توخالی، بارها منجر به آسیب‌های جدی در فضای روانی جامعه و نوسانات شدید در بازارهای مالی کشور شده است. اما آنچه این بار را نگران‌کننده‌تر می‌کند، همزمانی این تحرکات با نشانه‌های آشکار بی‌اعتمادی از سوی طرف آمریکایی و اروپایی و از سویی دیگر تشدید فضای فشار روانی علیه تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی ایران به واسطه رؤیا فروشی از درون کشور است.

این جریان، خودآگاه یا ناخودآگاه به جای حمایت از تیم مذاکره‌کننده کشور، تلاش دارد با هیجان‌سازی کاذب، انتظارات غیرواقعی از مذاکرات بسازد و بار دیگر چک بی‌محل امید به غرب را به جامعه قالب کند؛ درست همانند آنچه در سال‌های اجرای برجام اتفاق افتاد.

پاسخ آمریکا به پیام ضعف جریان غربگرا

در این میان، آمریکا با ادراک اشتباه درباره فضای داخلی کشور که بیش از هر چیز ناشی از همین خط خبری و رسانه‌ای جریان غربگرای داخلی در ضعیف نشان دادن کشور است، اقدام به وضع تحریم‌های جدید در آستانه شروع مذاکرات کرد. به گزارش رویترز، وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد: دو روز پس از آن که ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از برنامه‌ریزی آمریکا برای مذاکره با تهران بر سر برنامه هسته‌ای این کشور خبر داد، این کشور در روز چهارشنبه تحریم‌های جدیدی را علیه ایران وضع کرد.

در این بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام شده است که این وزارتخانه پنج نهاد و یک فرد مستقر در ایران را به بهانه نقش‌آفرینی در برنامه هسته‌ای ایران و با هدف جلوگیری ایران از داشتن سلاح هسته‌ای تحریم کرده است. خزانه‌داری گفت که گروه‌های تعیین شده شامل سازمان انرژی اتمی ایران و شرکت زیرمجموعه آن، شرکت تکنولوژی سانتریفیوژ ایران تسا است.

مرشایمر: اگر قرار بود توصیه‌ای به ایران داشته باشم، این است که در برابر ترامپ موضعی قاطع و سرسختانه اتخاذ کند تا از وقوع جنگ جلوگیری شود

جان مرشایمر نظریه پرداز شهیر روابط بین‌الملل و مهم‌ترین متفکر جریان رئالیسم تهاجمی در گفت‌وگویی با شبکه بی‌بی‌سی در توصیه به کشورمان اظهار می‌دارد: توصیه اساسی من این است که ایران باید در برابر دونالد ترامپ موضعی سرسختانه اتخاذ کند. اگر ایران کوچک‌ترین نشانه‌ای از ضعف در برابر دونالد ترامپ نشان دهد، نه تنها ایران بلکه هیچ کشور دیگری از آن سودی نخواهد برد، بلکه این ضعف موجب سوءاستفاده خواهد شد.

وی افزود: هنگامی که با فردی مانند دونالد ترامپ مواجه هستید، باید در برابر او ایستادگی کنید و به‌روشنی نشان دهید که حاضر به عقب‌نشینی نیستید. اگر این بحث را یک گام به جلو ببریم، ایران باید بر این نکته تأکید کند که عواقب حمله نظامی آمریکا به ایران چه خواهد بود. باید به‌روشنی به آمریکایی‌ها و به جامعه جهانی اعلام شود که تبعات چنین حمله‌ای فاجعه‌بار خواهد بود، نه فقط برای ایران بلکه برای دیگران نیز. سپس باید نشان دهید که ایران بدون مقاومت و بدون ورود به جنگ، تسلیم نخواهد شد.

بنابراین، اگر قرار بود توصیه‌ای به ایران داشته باشم، این بود که در برابر دونالد ترامپ موضعی قاطع و سرسختانه اتخاذ کند تا از وقوع جنگ جلوگیری شود.

نقد رؤیافروشی مزمن؛ اقتصاد را گروگان امیدهای ناپایدار نکنیم

اصطلاح «رؤیافروشی» در ادبیات سیاسی و اقتصادی کشور، به‌درستی برای توصیف روندی به‌کار می‌رود که طی آن، با بزرگ‌نمایی اغراق‌آمیز از نتایج احتمالی مذاکرات، جامعه را در مسیر انتظارات غیرواقعی قرار می‌دهند. این سناریو دقیقاً همان رفتاری است که در سال ۱۳۹۴ در بحبوحه مذاکرات منجر به برجام، با تیترهای گمراه‌کننده‌ای نظیر «صبح بدون تحریم»، «معجزه دیپلماسی» و «کلید تدبیر در قفل تحریم» از سوی رسانه‌های جریان غربگرا دامن زده شد و جامعه را به‌سمت انتظاراتی هدایت کرد که از ابتدا پشتوانه عینی و ساختاری نداشت.

روزنامه‌ای که در سال ۱۳۹۴ از «خسارت تاخیر اجرای برجام» می‌گفت نه تنها هیچ پاسخگویی درباره بی‌ثمری برجام و سالها تحریم آمریکا از زمان برجام تاکنون نداشت که امروز نیز با تیترهایی «از لبخند بازار به مذاکره» مجددا بر مدار همان ساده‌اندیشی‌های مضر سابق سعی در حساس نشان دادن بازار نسبت به مذاکره دارد.

روزنامه دیگری که در زمان برجام مدعی این بود که «تحریم‌ها به تاریخ پیوست» از جواب به این سؤال طفره می‌رود، که تحریم‌ها چگونه با شدت بیشتر از قبل برجام، کشورمان را این‌بار بدون قطعنامه تحریمی شورای امنیت(به ادعای برجامی‌ها) تحت شدیدترین فشارها قرار داد. این روزنامه امروز نیز بر همان مدار سعی در پررنگ کردن نقش مذاکره در وضعیت بازار و دمیدن بر این گزاره ضعف دارند.

این رسانه‌ها در کنار برخی از رسانه‌های خارجی مغرض و دشمن ملت ایران با نادیده گرفتن سوابق آمریکا، تلاش دارند فضای جدیدی را درخصوص مذاکره ایجاد کنند؛ فضائی که بیش از آنکه بر اساس منافع ملی باشد، مبتنی بر فریب افکار عمومی است.

بازگشت سناریوی قدیمی شرطی‌سازی بازارها

اما در شرایطی که مذاکرات در سطح دیپلماسی در حال پیگیری است، جریان غربگرای داخلی که سابقه‌ای طولانی در «گره زدن معیشت مردم به لبخند غرب» دارد، بار دیگر موتور رؤیافروشی را روشن کرده‌اند. نتیجه این رفتار خطرناک، چیزی جز شرطی‌سازی دوباره بازار ارز، سکه و طلا نیست؛ موضوعی که هم در گذشته ضربات جبران‌ناپذیری به اقتصاد کشور وارد کرده و هم اعتماد عمومی را متزلزل ساخته است. به‌محض شروع گفت وگوها در وین و تفاهم در لوزان، رسانه‌های مدعی اصلاحات مطالبی نظیر «آغاز گشایش»، «سیگنال مثبت به بازار»، «احتمال لغو سریع تحریم‌ها» و... را روانه کردند. این در حالی است که هنوز هیچ نتیجه مشخصی حتی از پایان مذاکرات به دست نیامده بود. طرح این تیترها تنها یک نتیجه دارد: افزایش نوسانات در بازار و سوءاستفاده دلالان و رانت‌خواران از فضای روانی ایجادشده. آیا وقت آن نرسیده است که این جماعت مسئولیت رفتارهای خسارت‌بار گذشته خود را بپذیرند؟ مگر همین سناریو در دوران برجام نبود که با هر جلسه مذاکره، دلار نوسان پیدا می‌کرد، سکه بالا و پایین می‌رفت و بازار سرمایه در تلاطم می‌افتاد؟ چه کسی پاسخگوی هیجاناتی است که از سوی برخی رسانه‌ها و تریبون‌ها به مردم تزریق شد؟ براساس داده‌های رسمی مراکز مطالعاتی و آماری کشور، طی سال‌های ۹۴ تا ۹۷ یعنی درست در سال‌های اجرای کامل برجام، شاخص‌های کلیدی اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاری خارجی، رشد پایدار تولید، اشتغال نیز نه تنها بهبود نیافت بلکه حتی در مواردی روندی نزولی طی کرد. این داده‌ها به‌خوبی نشان می‌دهد که فروش امید بدون پشتوانه، نه تنها نسخه درمان اقتصاد کشور نیست، بلکه موجب ناپایداری و شکنندگی بیشتر در ساختار بازارها خواهد شد.

شرطی‌سازی بازار تکرار یک خطای استراتژیک

یکی از مهم‌ترین انتقادات به جریان حامی مذاکره بی‌قید و شرط، تلاش هدفمند برای شرطی‌کردن بازار از جمله بازارهای طلا، ارز سکه به روند مذاکرات است. در ادبیات اقتصاد سیاسی، این نوع شرطی‌سازی، نوعی از «اثر انتظارات» (Expectations Effect) تلقی می‌شود که در صورت فقدان پشتوانه واقعی، منجر به بی‌ثباتی بیشتر می‌گردد. تکیه بر انتظارات کوتاه‌مدت و متأثر از متغیرهای غیرقابل کنترل، منجر به نوسانات شدید در بازارها شده و عملاً کارکرد سیاست‌گذاری اقتصادی را فلج می‌کند. **بقیه در صفحه ۱۱**

گفت و شنود

تقصیر برفه!

گفت: تازه چه خبر؟!

گفتم: در صورتی که هنوز هیچی نشده و فقط قرار مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا در پیش است مدعیان اصلاحات چه کف و سوتی می‌زنند و روزنامه‌هایشان با تیترهای درشت «لبخند بازار به مذاکرات»! کاهش ۵ هزار تومانی دلار را به رخ می‌کشند!

گفت: همین مدعیان اصلاحات طی ۶ ماه دلار ۵۹ هزار تومانی را به ۱۰۰ هزار تومان رسانده‌اند و حالا به جای آن که از خجالت آب شوند، کاهش ۵ هزار تومانی را جشن گرفته‌اند!

گفتم: در جریان برجام هم با تیترهای درشت از «فتح الفتوح»! و «لغو همه تحریم‌ها»! و «خلاص شدیم»! و «صبح بدون تحریم»! و... خبر دادند ولی تحریم‌ها دو برابر شد و...!

گفت: همین دیروز و در آستانه مذاکرات غیرمستقیم، آمریکا ۵ نهاد و یک شخص مستقر در ایران را هم تحریم کرد! حالا چه می‌گویند؟!

گفتم: ظاهر کارشان که نشان می‌دهد دنبال تضعیف تیم مذاکره‌کننده ایران در برابر آمریکا هستند! به همین علت تمام امتیازات نظام را نادیده می‌گیرند و نقاط منفی ترامپ را هم مثبت قلمداد می‌کنند!

گفت: ادعاهایشان درباره برجام که نشان داد اهل فکر و درک نیستند. چرا؟!

گفتم: چه عرض کنم؟! از طرف پرسیدند چرا پنگوئن‌ها بی‌سوادند؟ گفت؛ برای این که همیشه برف میاد و مدرسه‌هاشون تعطیله!

روایت مخبر از گزارش مهملی که بهانه اجحاف به شهید رئیسی شد

معاون اول دولت سیزدهم درباره مهمل بودن گزارشی که بهانه اجحاف به شهید رئیسی شد، توضیحاتی ارائه کرد.

محمد مخبر معاون اول دولت سیزدهم در دیدار شامگاه سه‌شنبه ۱۹ فروردین، کابینه دولت سیزدهم با خانواده شهید رئیسی درخصوص گزارش مهملی که بهانهٔ اجحاف به رئیس‌جمهور شهید شد، بیان کرد: موضوع مهملّ بودن یکی از گزارش‌ها که مورد اشاره رهبر انقلاب قرار گرفت از سوی شهید رئیسی هم مورد تأکید قرار گرفته بود، یعنی این‌طور نبود که آقای رئیسی نداند این گزارش خوب نیست. به گزارش تسنیم، وی افزود: پیش از ملاقات با حضرت آقا نیز ایشان به من گفت؛ «هیچ‌کدام از این کارها به نتیجه نرسیده است.» و انتقاد کرد اما از غیرت شهید رئیسی بود که حقیقت را در همان زمان که رهبر انقلاب مطالبه کرده بودند، ارائه داد. معاون اول دولت سیزدهم گفت: اجحاف این بود که ادعا می‌کنند شهید رئیسی ماهیت گزارش را نمی‌دانست درحالی که ایشان کاملاً از آن اطلاع داشت.

دهنوی:

بررسی CFT و پالرمو در دستور کار جلسه هفته آینده مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار دارد

سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام در شبکه ایکس از بررسی پیوستن ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) و کنوانسیون پالرمو در جلسه چهارشنبه هفته آینده مجمع خبر داد.

سیدمحسن دهنوی سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام در شبکه ایکس از بررسی پیوستن ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) و کنوانسیون پالرمو در جلسه هفته آینده مجمع خبر داد.

دهنوی در این زمینه اظهار داشت: اولین جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۴۰۴ با موضوع بررسی پیوستن به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) و کنوانسیون پالرمو، چهارشنبه هفته آینده برگزار می‌شود. به گزارش مهر، وی افزود: شنیدن همه نظرات کارشناسی و نهایتاً اتخاذ بهترین تصمیم در راستای مصلحت کشور و حفظ منافع ملی، مورد تاکید مجمع است.

خبر ویژه

رویکرد حکیمانه ایران و انگاره‌سازی خائنانه علیه آن

محافلی که نسبت به مذاکره با دولت ترامپ ابراز شیدایی می‌کنند، درباره دستاوردهای موهوم ایجاد انتظار می‌کنند، و طرف مقابل را طرفدار تنش‌زدایی و توافق محترمانه جا می‌زنند؛ نقش خسارتباری در تضعیف قدرت مذاکراتی ایران ایفا می‌کنند.

یک فعال رسانه‌ای (دارای سابقه فعالیت در دولت‌های مدعی اعتدال و اصلاحات)، توئیت زده و در رسانه‌های زنجیره‌ای بارها باز نشر شده، مبنی بر اینکه: «دولت ایران نزدیک به هزار میلیارد دلار پروژه تعریف کرده و سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها در این پروژه بلامانع اعلام شده است»(!)

نفر دوم که گرداننده یک سایت حق‌العمل کار است، نوشته: «دلاری که با یک پالس مثبت مذاکره از ۱۰۶ به ۹۸ هزار رسید، اگر به توافق منجر شود، تا کجا عقب خواهد نشست؟ چرا تمایلی به ثبات اقتصاد، پایان تحریم و تخاصم ندارند؟»

و سومی در روزنامه زنجیره‌ای هم میهن ادعا کرده است: «هدف اصلی دولت دونالد ترامپ از مذاکره، رفع خصومت نیم قرنه بین تهران و واشنگتن و همکاری متقابل بین دو کشور است. روشن است که دستیابی به این هدف به شرطی ممکن است که مقام‌های جمهوری اسلامی نیز خواهان آن باشند. اما در صورت اصرار جمهوری اسلامی بر مخالفت با عادی‌سازی و بهبود روابط دو طرف، سطح دوم هدف آمریکا از مذاکره، خنثی‌سازی تمام ابزارهای تکنولوژیک و تسلیحاتی است».

انگاره‌سازی و توقع‌آفرینی غیر واقعی در حالی است که سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت: «گفت‌وگوهای شنبه با ایران، مذاکره نیست؛ نشست و تماس است برای مشخص کردن این که چه چیزی در گفت‌وگوها ممکن است».

نمایش ذوق‌زدگی و تحمیق مخاطبان، تکرار بازی رسانه‌ای زردی است که ۸ سال قبل ادعا کرد به واسطه توافق با آمریکا همه تحریم‌ها به شکل غیر قابل بازگشت لغو می‌شود، قیمت دلار به ۵۰۰ یا ۱۰۰۰ تومان سقوط می‌کند، ۱۵۰ میلیارد دلار پول بلوکه شده برمی‌گردد، و ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی به کشور می‌آید!

اما در میدان واقعیت، شمار تحریم‌ها بیش از دو برابر شد (که پایه گذار آن، دولت دغلباز اوباما با تحریم‌های ویزا و آیسا و سیسادا بود)، نرخ ارز تا ۹ برابر در دولت برجام افزایش یافت، تقریباً هیچ خبری از سرمایه‌گذاری خارجی یا بازگشت کذایی پول‌های بلوکه نشد، رشد اقتصادی سقوط کرد و رکورد تورم شکست.

البته در آغاز مذاکرات برجام هنوز دست آمریکا رو نشده بود و سه دولت اوباما و ترامپ و بایدن، واقعیت عهدنشناسی و بی‌صفتی رژیم آمریکا را به نمایش گذاشتند.

به اعتبار همین سرگذشت عبرت‌آموز و خسارتبار برجام است که جمهوری اسلامی ایران، اعلام کرده اعتمادی به طرف مقابل ندارد و مذاکرات مستقیم را به نشان دادن حسن نیت، اقدامات ملموس آمریکا و لغو برخی تحریم‌ها مشروط کرده است.

این موضع درست (مبتنی بر مطالبه حقوق پایمال شده در توافق برجام) قطعاً قدرت مذاکره از موضع برتر را برای کشورمان فراهم می‌کند. اما دقیقاً در همین زمان، جریان سیاسی- رسانه‌ای بدسابقه تلاش می‌کند ضمن حق‌زدایی از طرف ایرانی، تصویری معتدل و ذیحق از ترامپ بسازد؛ در روزگاری که متحدان غربی آمریکا می‌گویند ترامپ، دنبال دیکته است، نه مذاکره و توافق.

چرا باید کسانی از ترامپ، تصویر فردی طرفدار مذاکره و تعامل بسازند و حال آن که با وجود راضی شدن زلنسکی به واگذاری نیمی از معادن اوکراین، ترامپ و معاونش، او را مورد توهین و تحقیر قرار دادند؟!

ترامپ همان کسی است که اخیراً گفت: «ما تعرفه سنگینی بر اروپا وضع کردیم. حالا می‌خواهند مذاکره کنند، اما تا وقتی سالانه مبلغ زیادی به ما پرداخت نکنند، مذاکره‌ای در کار نخواهد بود»!

فارین پالیسی: نابخردی ترامپ در حال نابود کردن آمریکاست

سردبیر نشریه معتبر فارین پالیسی هشدار داد دونالد ترامپ با در پیش گرفتن چند سیاست در حال نابودی آمریکاست.

استفان والت در تحلیلی ضمن طرح این سؤال که ترامپ چگونه می‌تواند آمریکا را نابود کند؟، «راهنمای پنج مرحله‌ای برای نابودی را این‌گونه شرح داده است: اگر خواننده همیشگی این ستون هستید، می‌دانید که من اغلب از آنچه ایالات متحده در صحنه جهانی انجام می‌دهد، انتقاد می‌کنم. من فکر می‌کردم که ریاست‌جمهوری جورج دبلیو بوش یک افتضاح در سیاست خارجی بود؛ ۸ سال ریاست باراک اوباما ناامیدکننده بود؛ اولین دوره ریاست دونالد ترامپ یک افتضاح بزرگ بود و چهار سال دوران جو بایدن هم با کاستی‌های استراتژیک و اخلاقی مخرب لکه‌دار شد. متأسفانه، کمتر از سه ماه طول کشید تا ترامپ و منصوبانش به‌دلیل ناتوانی در سیاست خارجی از همه آنها پیشی بگیرند. شاید بتوان گفت که او از این «راهنمای پنج‌مرحله‌ای برای ویران کردن سیاست خارجی ایالات‌متحده» پیروی می‌کند.

مرحله ۱: تعداد زیادی متملق و وفادار منصوب کنید. مرحله ۲: مبارزه را با هر تعداد دولتی که ممکن است انتخاب کنید. یک قدرت بزرگ هوشمند، مشت گره‌کرده‌اش را در دستکش مخملی می‌پیچد تا مخالفت‌های غیر ضروری را برانگیزد. ترامپ در عوض چه می‌کند؟ در کمتر از سه ماه، دولت ترامپ بارها به متحدان اروپایی ما توهین کرده؛ تهدید به تصرف قلمرو متعلق به یکی از آنها (دانمارک) کرده و دعواهای بی‌مورد با کلمبیا، مکزیک، کانادا و چندین کشور دیگر داشته است. ترامپ و معاونش، آشکارا ولودیمیر زلنسکی را مورد آزار و اذیت قرار دادند و مانند رؤسای مافیا، به تلاش برای وادار کردن اوکراین به امضای حقوق مواد معدنی در ازای ادامه کمک ایالات متحده ادامه می‌دهند. و سپس هفته گذشته، ترامپ مجموعه‌ای از تعرفه‌های عجیب و غریب را بر فهرست طولانی از متحدان و مخالفان اعمال کرد. رأی «وال استریت» درباره تصمیم جاهلانه ترامپ آنی بود- بزرگ‌ترین سقوط دو روزه در بازار سهام در تاریخ ایالات‌متحده- درحالی‌که پیش‌بینی‌ها از رکود، روند افزایشی دارد. این یک زخم خودساخته بود که میلیون‌ها آمریکایی را فقیرتر خواهد کرد، حتی اگر صاحب یک سهم از سهام نباشند. پیامدهای ژئوپلیتیک نیز قابل‌توجه خواهد بود. برخی از دولت‌ها در حال حاضر به دنبال تلافی‌جویی هستند - که این هم خطر رکود جهانی را بیشتر می‌کند- اما حتی کشورهایی که پاسخ نمی‌دهند، سعی می‌کنند اتکای خود به بازار آمریکا را کاهش دهند. جنگ تجاری با متحدان آسیایی‌مان در تضاد با تمایل اعلام شده دولت برای رقابت با چین است.

مرحله۳: قدرت ناسیونالیسم را نادیده بگیرید. ترامپ دوست دارد خود را یک ناسیونالیست سرسخت نشان دهد (اگرچه به نظر می‌رسد بیشتر به ثروتمند شدن شخصی علاقه دارد تا کمک به کشور به‌طور کلی)، اما او متوجه نیست که کشورهای دیگر نیز احساسات ملی قوی دارند. وقتی ترامپ همچنان رهبران کشورهای دیگر را بی‌اعتبار می‌کند، تهدید به تصرف قلمرو آنها می‌کند یا حتی درباره الحاق آنها صحبت می‌کند، خشم ناسیونالیستی زیادی ایجاد می‌کند و سیاستمداران در این کشورها به سرعت متوجه می‌شوند که ایستادگی در برابر او باعث محبوبیت بیشترشان در داخل می‌شود. بنابراین، تلاش‌های ناشیانه ترامپ برای قلدری در برابر کانادا و تحقیر این کشور، خشم کانادایی‌ها را برانگیخته و موجب احیای حزب لیبرال شده است.

مرحله۴: هنجارها را نقض کنید، توافقات را کنار بگذارید و غیرقابل پیش‌بینی باشید. رهبران خردمند کشورهای قدرتمند می‌دانند که هنجارها، قوانین و نهادها می‌توانند ابزار مفیدی برای مدیریت روابط با یکدیگر و کنترل دولت‌های ضعیف‌تر باشند. قدرت‌های بزرگ در مواقع لزوم قوانین را بازنویسی می‌کنند یا از آنها سرپیچی می‌کنند، اما انجام این کار به‌صورت مکرر یا بیش از حد هوس‌بازانه، دیگران را مجبور می‌کند به دنبال شرکای قابل اعتمادتری بگردند. ترامپ و یارانش هیچ‌کدام از اینها را نمی‌فهمند. آنها متوجه نیستند که نهادهایی که روابط بین دولت‌ها را شکل می‌دهند عمدتاً با در نظر گرفتن منافع ایالات‌متحده طراحی شده‌اند و این ترتیبات معمولاً توانایی واشنگتن را برای مدیریت دیگران افزایش می‌دهد. پاره کردن قوانین یا خروج از سازمان‌های بین‌المللی کلیدی، بازنویسی قوانین را برای سایر کشورها آسان‌تر می‌کند. علاوه‌بر این، غیرقابل‌پیش‌بینی بودن برای کسب‌وکار بد است.

مرحله ۵: پایه‌های قدرت آمریکا را تضعیف کنید. در دنیای مدرن، قدرت اقتصادی، توانایی نظامی و رفاه مردم قبل از هر چیز به دانش بستگی دارد. ترامپ در عوض چه می‌کند؟ او علاوه بر انتصاب بی‌سوادان در پست‌های کلیدی دولتی «دست باز»ی را برای موسساتی اعلام کرده که از زمان جنگ جهانی دوم به ایجاد دانش و پیشرفت علمی در ایالات متحده کمک کرده‌اند.

نتیجه؟ برنامه‌های تحقیقات علمی تعطیل می‌شوند و برنامه‌های دکتری قطع می‌شوند، به این معنی که این کشور در آینده محققان واجد شرایط کمتری در زمینه‌های کلیدی خواهد داشت. دانشمندان خارجی به دنبال همکاران دیگری خواهند بود و توانایی آمریکا برای جذب بهترین ذهن‌ها برای تحصیل و کار در این‌جا به خطر خواهد افتاد. به‌طور خلاصه، ترامپ بیشتر آنچه را که ما درباره چگونگی تصمیم‌گیری می‌دانیم و بسیاری از آنچه را که درباره سیاست جهانی می‌دانیم، نقض می‌کند.